

محل اداره

طهران خیابان لایزار نمره ۳۶

مدیر محمد باقرخان ناکستانی

مکاتیب و مقالات وارده پذیرفته

و مسترد نمیشود

اداره در حاکم و اصلاح مختار است

نمره تلپون ۲۳۷

یادگار

# جنوب

۱۳۲۸

شماره

قیمت اشتراک

یکساله شش ماهه سه ماهه

طهران ۱۸ ۱۰ ۵ قران

داخه ۲۰ ۱۱ ۶ قران

خارجه ۲۲ ۱۲ ۷ قران

( تک نمره طهران ۴ شاهی )

اعلانات صفحه اول سطرى يكقران

صفحه اخر سطرى ۵۰۰ دينار

این جریده هفتگی ملی سیاسی اخباری اجتماعی اقتصادی اخلاقی طرفدار استقلال مملکت و ترقی ایران بدست ایرانیانست

فهرست مندرجات

احساسات برادران ما — بروگرام وزرا — در خواست از نمایندگان محترم — فتح اردی منصور

اوضاع جنوب

اوضاع فارس — چپاول اطراف فسا بدست کسان قوام — ما ایه فارس — راجع بمایه کرمان قایل توجه وزارت مایه — راپورت کرمان — اجمالی از اوضاع بهبهان — وقایع فارس — مکتوب از شهر بابک — تلگراف از بوشهر

( احساسات برادران ما )

از زمانی که محمد علی میرزا وارد بخارا ایران شده تا کنون تلگرافات متعدد از تمام نقاط جنوب مبنی بر همراهی با دولت و بذل جان و مال در راه استقلال مملکت و سعادت ملت طهران مخابره شده است اگر چه عین تلگرافات سابقا در جرائد درج شده ولی ما مجدداً بعضی استحضار خاطر عموم مختصری از آن تلگرافات را که از نقاط مهمه جنوب مخابره شده پسر قارین کرام میرسایم باید اند که برادران جنوبی ما چگونه برای حفظ استقلال مملکت و ناموس ملیت از فدیه جان و بذل مال مضایقه بنا رند اولاً تلگرافاتی که از فرمان فرمای فارس بهدات وزرا مخابره شد مبنی بر اظهار جان فشانی و تقدیم هزار سوار و تفنگچی از استعداد شخصی خود بدولت که کار پنج هزار نفر را بکنند برای جلوگیری از شرارت محمد علی میرزا و اطمینان دادن از طرف سرداران جنوب که تا پنج هزار نفر سوار رشید بار دیده که مقابله با بیست هزار نفر بکنند برای جان نثاری در راه ملت بطهران حرکت دهند ولی متأسفانه از این اظهار حیثیات فرمان فرمای فارس دوات استفاده نه نمود

و دیگر تلگرافاتی که از طرف انجمن محترم باطنی کرمان و سایر طبقات انجمن رسیده مبنی بر اطاعت کردن از دستخط مبارک ایت الله خراسانی و مازند رانی و مساعدت نمودن بمقاصد حقه عموم ملت در حفظ استقلال مملکت اسلامی و اساس عدالت و مشروطیت و دیگر تلگرافاتی که از بزداصفهان روجرد و سنجان رسیده بود و اظهار همراهی و مساعدت با دولت و ملت نموده بودند

و همچنین تلگرافاتی که از عربستان یکی از حضرت سردار ارتع و دیگری از رؤساء و اجزاء سایر ادارات دولتی بتوسط نمایندگان عربستان بمجلس مقدس دارالتشورای ملی مبنی بر فداکاری و مساعدت نمودن با دولت و حاضر نمودن نقد جان و مال برای حفظ سعادت ملت و استقلال مشروطیت ایران چنانچه در یکی از نمرات قبل در روزنامه جنوب اشاعه و در سایر جراید محلی هم درج و منتشر گردیده لکن مقصود از طول کلام آنکه ایچمه تلگرافاتی که از ایالات و ولایات جنوب مخابره شد بد بخانه دولت از هیچکدام آنها استفاده و کسب افاده ننموده و همه را بمسامحه و اغفال گذرانیده به حدی که اسباب یأس اهالی را فراهم نموده است

مثلاً تلگرافاتی که حضرت سردار ارتع مشعر بر جان نثاری و خدمت بدوات مخابره نموده بود خیلی مفتضی بود که جلو گیری از شرارت در همانوقت دوات از سوارو استعداد شخصی ایشان استفاده کامل حاصل نماید و همگذا از سایر ایالات و عشایر و ایالات و ولایات نقاط جنوبی ایران

زیرا که این مسامحه و عدم استفاده از قوای طبیعی ملت مورث دو مضرت است یکی ناامیدی و یأس اهالی از طرفه

اوبای دولت و مات و دیوکاری بی استعدادی دولت بواسطه استخدام نکردن از قوای طبیعی و حاضر مات چنانچه گواه حال و شاهد صادق مقال تلگرافی است که از بندر ناصری بطهران هم مساکان و برادران عزیز ما برای حاضر شدن و جان نثاری و فداکاری نمودن در راه استقلال مشروطیت و حفظ استحکام مملکت بمجلس مقدس عرض و اظهار داشته اند

چون از مرگرت جواب مسامحه ای که اسباب خوشحالی و تشویق برادران عزیز ما را فراهم نماید داده نشده از این رو تلگرافاتی که مبنی بر عجز و لایه و مشعر بر یأس و ناامیدی خودشان است مخابره نموده اند و مضمون تلگراف از این قرار است

از ناصری بطهران

مقام اقدس و کعبه مقدس آمال ایرانیان مجلس شورای ملی شیدا که ارکانه تا کنون عریضه تلگرافی مبنی بر استدعای عاجزانه جانشانی در راه مشروطیت و آزادی عرض و فقط یک جواب که هیچیک از فدویان را قانع نمیکرد زیارت آیات تمام داوطلبان جان فشانان راه آزادی را اشطور ما بوس بمفرمائید یا ما بد بخانه بی سعادت را اگر با این افتخار قرین مباحاتمان غیرمائید یا خلاف قانون نموده ادارات را بگذارند حرکت یابرای رهائی از این سعادت خود را تلف خواهیم کرد جلال المملکت محمد علی مفتش مهدی حکیم و ما امید داریم گواو لیا امور بر عکس سابق این قسم حیثیات ملت را مبنی بر یک صمیمیت فوق العاده و احساسات وطن پرستانه دانسته بواسطه بی اعتنائی و مسامحه سرارت نوع خواهی برادران ما را خادوش

نموده و در این موقع اهم و باریک از چنین جانب نظارتی که در راه حفظ استقلال مملکت و آزادی ملت از بندل جان و مال مضایقه ندارند استفاده کامل حاصل نمایند

( پروگرام )

لایحه هیئت وزراء که یکمسیون مخصوص ارجاع شده و بصورت پروگرام تصویب شده بود بمضمون ذیل قرائت و مطرح مذاکره دید چون هیئت وزراء خالصه در موقعی که این کابینه تشکیل یافت بواسطه لزوم اقدامات مهمه فوریه نتوانستند حسب الرسم پروگرام خود را تقدیم مجلس شورای ملی بنمایند علیهذا لایحه را که چند روز قبل بمجلس پیشنهاد کرده بودند و از طرف مجلس مقدس بکمسیون مخصوص ارجاع شده و موافقت اعضاء کمسیون را هم حاصل نموده است بنسب اینک شامل مطالب کلی میباشد بنسب پروگرام بمجلس شورای ملی تقدیم می نمایند

۱ - قانون انتخابات که از مجلس شورای ملی میگذرد چون شرکت هیئت دولت در مباحثات آن لازم است وزراء مطالعه کرده رأی قطعی خود را در مواد آن اظهار خواهند نمود

۲ - چون در قوانین اساسی حاضره اصلی راجع بکیفیت تجدید نظر در آنها نوشته نشده و دولت تجدید نظر در قوانین مزبور را لازم میداند لهذا در موقع انتخابات آتی از طرف دولت اعلان می شود در صورتی که ملت ایران بانظریات دولت در این موضوع موافق باشد اشخاصی را که بنهایتکی انتخاب می نمایند حق تجدید نظر در قوا اساسی داشته باشند

بنابراین دولت برای اینکه رای ملت را بفهمد پس از اینکه دولت از تمام منتخبین حاضر شوند مجلس را برای صلاحیت در تجدید نظر کافی دانسته در باب لزوم یا عدم لزوم تجدید نظر رجوع برای نمایندگان جدید خواهد نمود و هرگاه با اکثریت دولت اراء ازدوئالت مزبور رای تجدید نظر داده شد رأی ملت معلوم و شروع بمذاکرات راجعه بان خواهد شد

۳ - چون باید هیئت دولت بقدر کفایت معتد بوده و اختیاراتی که لازمه تعهد مملکت است دارا باشند و در انجام تکالیف خود فقط صالح مملکت را در نظر گرفته از القاعات اشخاص یا مجامع غیر مسئول بچپوجه مآثر نشده در مواقعی که این قبیل اشخاص باجمع عقاید خود را بدون اطلاع و رجوع بولایه مسئول امور بموقع اجرا میگذارند و بواسطه بعضی اقدامات از قبیل انتشارات مجهول در تشکیلات خفیه یا مشوب کردن اذهان در صدد ضعیف قوای دولت بر می آیند فوراً از آنها جاوگیری نموده مرتکبین را مجازات خواهد داد

۴ - چون باید دولت در تمرکز قوای مملکت اهتمام فوری کرده از عدم مرکزیت و تشتت اقتدارات جاوگیری نماید برای ایفاء این مقصود تجدید نظر در قوانین انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی استفاده از مستشار هائی که از او با حجاب شده اند لازم است و بمجلس پیشنهاد خواهد شد و چون در قانون انجمنهای بلدی حق انفصال بدولت داده نشده است قبل از آنکه نتیجه تجدید نظر معلوم و قانونی شود دولت در انفصال آنها نیز مختار خواهد بود

۵ - اشخاصی هم بواسطه فقد قوانین فرعی که بایستی برای قوانین اساسی نوشته شود از ابهام و اجمال قوانین مزبوره استفاده کرده مغل نظام و ادبش عمومی میشوند و باسناد ظواهر قوانین بعمل و مبهم بوسبب اشعارات یا وسایل دیگر با اقدامات دولت ضدیت می نمایند و بعضی اوقات برای اجرای مقاصد خود بقوانین مملکت دیگر متوسل میشوند باید دولت در جاوگیری و دفع شرر آنها مختار باشد و گویا از مناسبتی که ممکن است بر سوء تاویل مجملات قوانین مراقب شود جاوگیری نماید

۶ - چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت که منظور اساس دولت است ایجاد قوای نظم کافی و عاجلاً تشکیل ژاندارمری مرتب در تحت اداره و تعلیم صاحبان سواد لازم است برای ایفاء این مقصود دولت اقدامات لازمه را نموده لوایحی را که رای

سرعت جریان این مقصود تکمیل آن لازم بداند بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد

۷ - بعضی ادارات و تاسیسات که بدون اقتضای ضرورت و از روی عدم تجربه ایجاد شد و بقای آنها احتیاجات فلهای مملکت مناسبت نیست بلکه موقوف کردن یا تخفیف دادن آنها از نقطه نظر مالیه و مقتضیات مملکت لازم است باید دولت در تخفیف یا حذف و الغاء آنها مختار باشند

۸ - در باب اصلاحات اساسی وزارت عدلیه دولت مشغول مطالعات لازمه بوده و پیشنهادی بمجلس شورای ملی خواهد کرد قبل از آنکه ترتیب مزبور پیشنهاد شود و صورت قانونی پیدا کند هم اختیاری برای دولت لازم است که با اقتضای وقت و موقع اقداماتی را که برای اجرای عدالت لازم میداند بنماید

۹ - مادام که قانون مجازات از مقامات معتد نگذشته است باید دولت در دادن مجازات تربیتی که هیئت وزراء قانون موقتی را مرتب خوانند نموده مختار باشند

۱۰ - بدیهی است که پللیک داخلی هر مملکت تا یک اندازه بوضعیت پللیک و روابط خارجه آن مملکت مربوط است و مادام که در پللیک خارجه یک سیاست مستقیم و مال اندیشی اتخاذ نشود منظور ات دولت در پیشرفت پللیک داخلی نیز دچار اشکالات خواهد شد بنا بر این دولت باید در روابط خارجی روشی اتخاذ نماید که همراهی و اعتماد دول متعابه خصوصاً دولتی را که اهمیت و روابط آنها مسام است نسبت بدولت حاضره جلب نماید و افکار عمومی نیز با روشی که هیئت وزراء اتخاذ می کند مساعد و همراه باشند

جنوب

خیلی بجا بود که هیئت وزراء عظام قانون سوار از ایالات رادر پروگرام خود یکی از مواد آن قرار میدادند تا دولت از این قوای خداداد استفاده کامل نموده وهم جاوگیری از آزادی و حرکات خود سرانه آنها بشود

(در خواست از نه ایتمکان محترم)

این مسئله از بدیهات است که امروزه چشم عامه ملت ایران بطرف کعبه آمان خود یعنی مجلس مقدس دارالشورای ملی که خون بهای جوانان رشید این آب و خاک است باز است به بینند چگونه اقدامات نوع پرستانه در حفظ رفاهیت و آسایش ملت خود مینماید چگونه مواظبت خواهد نمود که در قوانین موضوعه احتیاجات مای مراعات شود و بطور رفاهیت و سعادت ملت را در وضع و نسخ قوانین منظور میدارد و يك كلمه مجلس شورای ملی که استقلال و بحران مملکت بسته به استقلال و بحران اوست چگونه برای حفظ استقلال مملکت بحرانهای خانمان سوز را از خود دفع می نماید

مقصود از این مقدمه این است که چهل روز دیگر از موقع انتخابات جدید پیش نموده است و تا اول برج میزان باید و کلا ع جدید انتخاب شوند

نمیدانیم چه چيست که اکنون قانون انتخابات از تصویب مجلس مندرنگ گذشته است و کلاهی ملت بخوبی میدانند که ملت بیچاره ایران دیگر طاقت ندارد که کعبه آمان خود را در حالت بحران به بینند و تحمل نمایند

پس ما بنام نوع پرستی بنام وطن خواهی بنام محترم نمایندگان ملت در خواست مینمائیم که هر چه زودتر قانون انتخابات را گذرانیده و منتشر نمایند تا در موقع انتخابات جدید ملت بیچاره در کار خود حیران و سرگردان نماند و متخیزین جدید خود را زودتر بمجلس مندر روانه نمایند و از برای آن ذوات محترم هم يك حسن خدمتی برای ملت بیادگار مانده و بتوانید باین يك كلمه اقتضای نموده که قانون انتخابات سابق که بدستور العمل محمد

علی میرزا وضع شده بود ماها و کلا ع این دوره ان قانون مندرسرا نسخ و بجای آن قانون انتخاباتی دیگر که بهتر و بطور يکد رجه و مستقیم است وضع نموده و بعدها بتوانید يکوتيد که ما باین يك خدمت رضیه خاطر ملت را بعمل آور ديم

(فتح اردوی منصور)

بهترین خبر فبروزی که میتوان چشم وطن حواهرا از دیدن آن خبر روشن ساخت همانا خبر فتح اخیره اردوی دولت است که در ورامین واقع شده و مختصری از آن خبر این است

روز سه شنبه ۱۱ رمضان پس از آنکار دوی منصور با اردوی ارشدالدوله در نزدیکی ورامین تلاقی مینماید طرفین بنای جنگ و شایک توب و تفک میکنند و در همان جنگ بفاصله يك ساعت فتح نصیب اردوی منصور شده ارشدالدوله را زنده دستگیر نموده و در همانوقت مجاهدین او را کلاوه باران کرده و جنازه اش را بطهران فرستادند همراهان او که قریب دوهزار و پانصد نفر از ترکن و اصناف و سر باز و غیره بوده است بعضی مقتول شده و عده قبیلی فرار نموده مابقی دیگر قریب سیصد و پنجاه نفر دستگیر و همه را بطهران فرستاده و فعلا در نظمه حبس هستند

### اوضاع جنوب

اوضاع قدس بقیه از شماره قبل -  
بقلم يکتر از ترقی خواهان از اهل شیراز  
تجارت فارس

در فارس تجارت بالره از میان رفته است بجز متمول دست از تجارت کشیده تماما مملک شده اند جمعی با قبایل سرمایه از بعضی متاع میاورند لیکن بهات عدم بضاعت قبل از وصول مال التجاره ناچار میشوند مطاع وارد نشده را باسم فروخته و جهرات بانک که از بابت قیمه مال التجاره آنها حواله شده ادا نمایند و بهمین علت اغلب ورنگست و مضرر میشوند مال التجاره که از فارس بخارج مبرود عبارت است از کتیرا بادام قریاک پنبه کلاب و در بعضی از ستوات اسب و کورسندواپس تجارت اغلب بدست خارجه میشود

اساحه ایلات فارس

در فارس تا بیست سال قبل همان تفک های ساچمه زن معمول بود در ظرف اینمدت تفک مارتین معمول شد شش سال است اغلب دارای تفک پنج تیره المانی شده اند تفک مارتین و ورندل هم در ایلات و یلوکات زیاد است در

جبه خانه شیراز هم تفک مارتین میسازند و بقیمت نازل می فروشند در یلوکات فارس اهلب رعایا از همین تفکها دارند ایلات فارس

در فارس چادر نشین و ایل عمده آنها قشقائی و ایلات خمسه است طایفه بویراحمدی و وبای و بهائی طبسی جزو گهکاو به بگش و جاویدی و رسمی جزو رسمی است

بعضی از طوایف دیگر هم از قبیل بیات و دشمن زباری و جرکان هستند که در یلوکات فارس سکونت دارند گاهی جزو قشقائی و بعضی اوقات خارج می شوند

در فارس یکطایفه دیگر چادر نشین و معروف به غربال بند است شغل آنها در صحرا آهتگری و کلو داری است در شهر و قصبات سالی چند روز برای تکدی می آیند این طایفه خیلی پست و قابل اعتنا نیستند

ایل قشقائی

عده خاتوار قشقائی بطور صحیح معلوم نیست آنچه را بطور تخمین میتوان گفت و خوانین ایلات میکیرند تقریبا متجاوز از چهل خانوار است قشقائی پنجاه و پنج تیره است و قریب پنجاهزار خانوار باسم عمله جات ایل خانی و بستگان از مالیات معاف و مرفوع الانام هستند لیکن این عمله هم درسال از اسب و قالیچه و روغن بقدر مالیات بلکه بیشتر بخوانین تقدیم میدهند و اغلب شرارت و هرزگی از همین عمله بروز میکند گذران عمله منحصر است به ماموریتی که از طرف خوانین با آنها رجوع میشود اسب و تفک آنها غالباً از ایلاتی است و همیشه باید ملزم رکاب باشند

عادات قشقائی

هر يك از طوایف قشقائی کلانتری از خود دارند که غیر از اطاعت دیگری را نمایند ایلاتی بدون اطلاع کلانتر دران طایفه ابدآ مداخله نمیکند و همیشه باید يك نفر از خانواده همان کلانتر مباشر طایفه باشد چنانچه غیر از ساساه خوانین طوایف قشقائی بدیگری نمیکنند و وقتی محمد قلیخان ایل خانی که مقتدرترین خوانین قشقائی بود در حضور

گلانتر طایفه ششباوکی خواست يك نفر مقصرا بجوب به بندد انشخص مقاوم کرده تسلیم نشد و فریاد کرد تا گلانتر اذن ندهد نمیکذارم مرا چوب بزنند به همین ملاحظه است که همیشه نصف گلانتران از کار خارجند یا ایل حانی ضد و در غیر اوطایف آرام هستند خط عبور قشقای همیشه در سمت غربی شیراز است ایلات قشقای در موقع ییلاقات تقریباً ۳۰۰ م وصل و نزدیک به بختیاری میشوند زمستان نقاط معتدله را قشلاق مینمایند قسمت عمده آنها در مهور میلانی نزدیک گم کابو و دشتی و دشتستان باقی در جره کازرون و فراس بند و قیر کارزین و کله دار تا حوالی بندر عباس سکونت مینمایند

چپاول فسا و اطراف

بدست کسان قوام الملک

در نمرات قبل راجع به توفیق قوام الملک در فارس و حرکت انتظام الملک بسمت ایل عرب باجهت مضار و مهاد و عواقب وخیم ازاضمن عقاید خودمان شرح مبسوطی نکاشتم ولی افسوس صد افسوس که هرچه باعلی صوت فریاد زدیم مراتب بدبختی و بیچارگی اهالی فارس و کرفاری عرض و ناموس آنها بدست بنی قوام و اقباش رادر ستونهای روزنامه خود برنمودیم بخرج اوایای امور نرفت

و رضبه خاطر بکنز مردود خائن وطن بر باده را بر مصالح ملکی و ملی يك مملکت مهمی مثل فارس و چهار کرور مردم الحیا تر جیح دادند اینک راپورت فارس که بتازگی رسیده است دل هر ذی حسی را برقت می اندازد پس از آنکه انتظام الملک در ایل عرب می رود بدستور للعمل قوام الملک عسکر خان و رضا قلی خنان عرب را با عده کثیری نخر بک مینماید برای چسبیدن فسا و چند ده دیگر که در اطراف اواقع است و اسامی آنها از قرار ذیل است

کوشک قاضی - روئیزعلیا روئیزسقای نکریم - کچو - و غیره را بکسر آتش کشیده و با خاک سیاه بگمان نموده و هرچه توانسته اند دست نعدی بمرض و ناموس آن بیچارگان دراز نموده چه پسا زنهای باعفت را بی همتت کرده و

دخترهای نجیب را بی سیرت نموده اند و از قتل و غارت هم هرچه توانسته اند ککو تاهی نکرده اند بلی این نامحیب انتظام الملک که تازه بسن جوانی رسیده است برای چپاول و تظاول و قتل و تهب و ظلم و تعدی همان رویه میشود پدر و عمش را اتخاذ نموده و از هر دو ارث میرد و مصداق (الولد سرایه) (باووالد الجوش بشته بالعموش) را در خود ظاهر ساخته است

ما مجدداً بایک صدای رسا و فریاد یاند که شاید در دل هر سنک اثر کند کوش زد اولیای امور نموده و توجه آنها را بسمت فارس جاب نموده اندکی تامل نمایند به بینند چگونه ان خطه مک سراسر از اثر تعذبات بنی قوام و اقباش آتش گرفته و میسوزد نمیدانیم چه جهت دارد که جان و مال و عرض و ناموس اهالی بیچاره فارس را از دست این یکنفر خائن شقی بجات نمیدهند اگر قوام الملک در قونسول گیری انگلیس منحصرن است برای چه وزارت امور خارجه در حرکت او اقدام نمینماید وزارت داخله چرا جاو گیری از این گونه اقدامات وطن بریاد ده قوام الملک نمینماید ای اولیای امور ما مکرر گفته و باز هم میگوئیم نامادامی که قوام الملک در شیراز مجازات ننود نه تنها از فارس بلکه ز امتیت تمام جنوب باید صرف نظر نمئید گفتیم و بر رسول نبشده بجز بلاغ

مالیه فارس

سابقاً ما شرحی راجع بحسن کهایت جناب آقای میرزا قاسمخان معاون مسئول مالیه فارس را نکاشتم و ضمناً از طرف ایشان اطمنینان دادیم که هما قریب به اقدامات مجدانه خود خراییمهای چند ساله مالیه فارس را جبران خواهند کرد اینک از قرار اخبار و اساه از بدو ورود معزی الیه در شیراز کمال مواظبت در انتظام امور مالیه فارس نموده و حسن اقدامات خود را بر عهده اهالی اشکار ساخته است و البته اگر از طرف وزارت مالیه و جناب مسووستر خزانه دار کل مساعدت کامل در باره ایشان بشود یقین است که اسباب تشریفات این شخص با کفایت بعمل آمده و بدل گرمی مشغول بانجام وظایف خود شده امورات مالیه فارس را بهتر از این مرتب نموده و نتیجه زحمات

خود را سر مشق خوبی برای پیشکاران مالیه ایالات و ولایات قرار خواهند داد و ما شرح اقدامات ایشان را در نمرات آیه خواهیم نوشت

( راجع بمالیه کرمان )

[ قبا بلوچه و زیر مالیه ]

جناب میرزا مهدی خان که یکی از اشخص نوع خواه کرمان است و همیشه خیر خواه دولت و مات بوده است سابقاً شرحی راجع بخیا تنهای پیشکار مالیه کرمان بوزیر مالیه سابق پیشهاد نمود و بدله و برهین ثابت کرد که مبالغ پنجاه هزار تومان اضافه مالیه کرمان را پیشکار مالیه الحیا خورد است و بلاوه تمام اربابان جراید کرمان سیات اعمال ایشان رادر جرائد اتصالاً درج و منتشر نمودند لکن نمیدانیم علت چه بود که وزیر مالیه سابق از این مطلب مهم صرف نظر نمودند ارتجا عبون هم سری بلند کرده بودند و ما نظر وزیر مالیه حالیه را باین مطلب جلب نموده که در امور رات مالیه کرمان رسیدگی کامل فرموده و این مبالغ هنگفت را که در این موقع محتاجیم نیا بست بیکس بکسر برود

راپورت کرمان

جناب آقای آقا یحیی رئیس انجمن ایالتی که در واقع چشم اهالی کرمان به وجود ایشان روشن است در چند وقت قبل برای رفع کسالت و تذییر آب و هوا بطرف رفسنجان تشریف برده بودند در مدت غیبت ایشان انتظام ادارات بگلی مختل و نام اجزاء در کارهای همدیگر مداخلات غیر قانونی مینمودند اکنون که مجدداً تشریف فرمای کرمان شده اند تمام ادارات رجور طبیعی خیر حرکت مداخلات اجزاء در امورات راجعه بخود محدود و تجاوزات غیر قانونی موقوف است جناب نصرت الملک که یکی از اشخاص وطن دوست نوع خواه است در این نوقت بواسطه کسالت مزاج برای معالجه به فزانک شریف برده اند

جنوب

مامراتب خدمات و زحمات آقای آقا یحیی رئیس انجمن محترم ایالتی کرمان را بخوبی اطلاع داریم و در واقع وجود این شخص با کفایت رای اهالی کرمان يك نعمت بزرگی است یقین است که اهالی

قدر این وجود محترم را مقتم شمرده  
اوامر ایشان را بجان و دل خریدارند و  
و ما بوقفیت ایشان را در خدمت به  
دوات دولت خیر خواهانه منی مینماییم  
اجمالی از اوضاع تاریک بهبهان فایز  
توجه فرمانفرمای فارس

بهبهان که پس از شهر شیراز او این  
ولایت است در قلمرو فارس از حیث  
وسعت خاک و عده نفوس و ایلات و  
طوایف عدیده که مشهورتر آنها ایل بویر  
احمد و طایفه طیبی و بهمنی است و  
طوایف بسیار دیگر که در زیر کوه و  
پشت کوه و بالاخره در تمام اطراف  
بهبهان بشکل چادر نشینی و خانه بدوشی  
حوزه و جامعه از برای خود تشکیل  
داده و زندگی مینمایند

بهبهان دارای حومه جات و باوکت  
متعدد است که هر کدام بفاصله دو  
فرسخ و چهار یا شش فرسنگی آن  
واقع است و مجموع اینها روی هم  
رفته به کوه کیلویه تمیز میشود که  
حکومت نشین آن بهبهان است

کوه کیلویه سابق بر این بواسطه  
نوابغ زیادی که داشت از بنا در و  
قصبات مهم میتوان گفت که یک اوبائی  
مثل حکومت عربستان از برای خود  
تشکیل میداد ولی متاسفانه در زمانی که  
حکومت استبدادی در مملکت ایران  
فرمان فرما بود بیشتر قسط و نوابغ آن  
یا بدرا هم معدودی از دوات خریداری  
یا بیول و یا معاف و مسلم نموده است  
خاک کیلویه دارای یک ثروت طبیعی  
و خدا دادی است که کمتر نظیر آن  
در قلمرو فارس پیدا میشود چه دارای  
معادن و منابع بسیار است از قبیل  
( نط ) ( ذغال سنگ ) ( مومبائی )  
و [ قیر ] و غیره

ولی بد بختانه دوات تا کنون از انجا  
استفاده که نکرده سه است بلکه هیچ وقت  
توجه خود را بانجا عطف نداده

بوسایط فوق سابق بر این همیشه  
یک حکومت مقتدری از طهران برای  
انجا فرستاده میشد چه حکومت بهبهان  
خیلی اهمیت دارد

در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه  
بواسطه عدم توجه کارکنان مملکت در فرستادن  
حاکم کافی برای انجا مامور میشد و فقط همین

که بهبهان جزو فارس است قناعت میکردند یک  
حاکم که برای فارس معین و رهسپار  
می شد چنانچه اهمیت حکومت فارس  
بدهی است کثرت گرفتاری و اوضاع درهم  
بر هم فارس بقسمی حواس و اوقات  
او را محدود و منحصر مینمود که نمیتوانست  
توجه خود را بجای دیگر منصرف دارد  
هر حال خواهی نخواهی حکومت شیراز  
یک نفر حاکم کافی یا غیر کافی با چند نفر  
سرباز کورسینه یا سیر اعزام به بهبهان مینمود  
قسمت عمده مالیات کیلویه از ایلات  
و طوایف وحشی انجا وصول می شود  
حکومت اقتدار اینکه مالیات از آنها  
دریافت دارد ندانست ناچار بجان یک  
مشت مردم دست و پا بسته بهبهان  
می افتاد سر شمار از اهالی بیچاره  
هر یک بقدر مکنت و قدرتی که داشتند  
از آنها جریمه می کرد

ایلات و طوایف هرج و مرج داخلی را  
دیده بافتشاش خارج شهر می برد داخلند  
در زمستان و تابستان موقع کشت و  
ذرع بجان بز کران افتاده بهار و پاییز  
بدست و پای تو اقل پیاه و ران پیچیده  
هستی و فواید صیف و شتاه آن بیچارگان  
را جابول و غارت می نمودند

چندین سال بهمین ترتیب معمول بود  
کم کم مکنت اهالی رو به تنگی گذاشت  
از شدت بریشانی پای قرار بوداشته بسمت  
عربستان و بنادر آواره شده و بعضی دیگر  
قدرت فرار داشته از کثرت استیصال  
در همانجا همه خود را می خواند بالاخره  
سالها بهمین درد مبتلا بودند تا زمانیکه  
سدای مشروطه در ایران بلند شد

بیچاره اهالی از شنیدن این کلمه  
بنای خوشحالی گذاشته گفتند حالا دیگر  
زمان مشروطه و عدالت است دولت حاکم  
عادل برای ما میفرستد این بود که چندی  
باتظار حاکم عادل نشستند  
اتفاقا در اول زمستان یک حاکم  
عادل بجهت انجا کسبل شد

چند ماهی در انجا توقف کرد  
از عهده نظام اشرار و سرکوبی آنها نیامده  
لذا نتوانست مالیاتی از آنها وصول کند  
دست تعدی بگریبان اهالی بیچاره دراز  
کرده بنای چابیدن گذاشت بهر وسیله که  
توانست اجحاف و تعدی نمود بعضی را  
خانه بیچاره بر یکی را جنس نمساید کم کم

خبر سیات اعمال او بمركز و سایر نقاط  
منتشر شد

جناب حکمران دید دیگر جای ماندن  
در بهبهان نیست و باید زود تری فرار  
نمود در این میانها زمستان هم بسو  
آمد دست و پای خود را در هم پیچید  
عازم شد برای حرکت نمودن لکن دید حرکت  
کردن بی جهت اسباب بدنامی و افتضاح است  
این بود که تلگرافی به کابینه سپرد از اعظم  
مخبره نمود مقتصرش این بود

ما از عهده حکومت بهبهان خوب  
بر آمدیم طیبی و بهمنی را سر کوب و نینیه  
نمودیم ایل بویر احمد را تا قرب نموده  
فرار اختیار کردند و چون اقدامات کافیه  
برای نظم بهبهان نموده ایم ازین جهت  
مبلغ شصت هزار تومان خسارت کفیده ایم  
لاکن حالا دیگر تابستان است و ماها  
چون سرد سیری هستیم و بهبهان گرمسیر است  
نمیتوانیم بمانیم ناچار حرکت بسمت  
یللاق میکنم بعد از تابستان اگر دولت  
خسارت ما را بدهد باز هم حکومت بهبهان را  
قبول مینماییم و الا فلا

ج - بسیار خوب بفرمائید تشریف  
به برید

جناب حکمران حرکت کردند ولی  
برای اینکه بدولت حالی نماید که ما چگونه  
از عهده نظم بهبهان بر آمدیم یکمده اشخاص  
بشرف را بارتی خود نموده که در  
میان اهالی آتش تفاق و اختلاف روشن  
کند و بنای هرج و مرج گذارند

این بود که عده بطرفنداری حکومت  
بخیاری وعده دیگر بر عیبهانها برخاستند  
قنه و فساد سر گرفت قنواتی  
و بهبهانی بجان هم افتاده و چندی بنای  
خود کشی نمودند

در این گیرودار آقای نظام السلطنه فرمان  
فرمای فارس شده از کرمانشاهان حرکت  
بشیراز نمود در براز جان مشغول انتظام  
دشتستان و کارج و بهبهان شد یکمده  
قشقائی با توب و استعداد زیادی از سوار  
های دولتی برای سرکوبی اشرار بویر  
احمد کسبل داشت حاجی مین السلطنه  
بسمت حکومت بهبهان و جلوگیری از  
مفاسد قنواتی و بهبهانی معین شد و  
حرکت نمودند

الحق از این حسن اقدامات و کفایت  
شخصی آقای نظام السلطنه موجب  
تشکرات عموم اهالی شده چه نتیجه

اقدامات این شخص بزرگ تر فیه حال عموم و صدمات چندین ساله را از يك مشت مردم بیچاره دفع نمود ولی بدبختانه نمی دانیم علت چه بود که اولاً حکومت بهمان را بمدت يك ماه حجاب بشیراز نموده و تاکنون حاکمی برای آنجا نفرستاده اند وانی در عرض این مدت چرا ما مورین مخصوص برای تاسیس ادارات دولتی از قبیل عدلیه نظمیه مالیه و غیره بآنجا نفرستاده اند و بحکومت بهمان امر نمود که افلا انجمن ولایتی را تشکیل دهد

بهر حال ما این مساعیه را از شدت گرفتاری و انقلابات فارس دانسته و امید داریم که از طرف فرمانفرمای فارس توجهات مخصوصه در باره اهالی بیچاره بهمان شده و اقدامات تاریخی خود را بحال قصیه فرو نگذاشته يك حاکم کافی برای آنجا کسب داشته که اسباب اسودگی اهالی را فراهم نموده و ادارات دولتی را از روی قانون صحیح تاسیس نماید امضاء محفوظ

## ( وقیع فارس )

بعد از قتل نصرالدوله و تحصن قوام الملک در قونسل خانه انتظام للمالك و اشرار منتظر وقت و فرصت بودند تا الحال که بدسایس و حیل مقصود خود را بانجام رسانیدند قوام الملک املاک خویش را فروخته عوام و خاندین ملت را بطمع پول باستعداد خویش طلید ایران بحال اول و جرم نمود و باطراف فارس باشرار و الواطن نوشتند هر گاه که میخواستید بکنید سبب قوت ما واضع حلال وضع ایالت بشود و او را عزل نماید اعراب از خدا بی خبر مشغول اتلاف نفوس و اموال و هتک ناموس مسامین شدند توب دولتی را از سر باز های دولتی گرفته و آنها را از فساد بیرون نمودند و قصبه جات را بیجا و غارت کردند و شوارع مسدود اموال تجار در معرض تلف آنچه توانستند کردند و خواهند کرد چندین نساء محترمه از ترس هتک ناموس و عصمت خویش خود را در جاه انداختند قصاصات معصومه را بضر بکوله توب و تنگ مغرور نمودند بحجت عصر قسم است که اگر حالات بعضی از اهل دهات را ملاحظه نماید بجای اشک خون

خواهید بارید بجهت چند نفر مفسد شریر از صدای تنگ لیل و نهار اهالی فارس از خوف و اضطراب آرام ندارند قریب دوست نفر از فقرا و ضمه و بیچارگان مقول شده اند چندین خانه بیجا بول و غارت اشرار رفته است جان و مال و ناموس مردم در معرض تلف است اشخاصیکه چند شب قبل صاحب مال و آبرو و ثروت بودند اکنون محتاج نان شب میباشند ایالت جایله همه نوع اقتدار داشت و میتوانست در عرض دو ساعت آشوب طلبان را مغضول رهنکوب نماید ولی راضی بقتل نفوس و هتک اموال مسامین نگردید افسوس که خاندین ملت و دوات قدر نعمتین مجبوتین را ندانسته دنیا را بر دین ترجیح دادند اینک بجهت حیفه دنیوی ارتجاع طلب رشوت خوار بجهت خوشنودی قوام میخواستند فارس را به باد فنا دهند و باعث اتلاف نفوس دوگروه مغزوق کردند آیا هیچ فاسق غداری چنین امری را روا میدارد باوجود تلکرافات عدیده حجج اسلام عیالیهات که معا و نت به اشقیاء ملعون نه بنی قوام محاربت با امام زمان است نزل اسلام و و برای ایران بواسطه این عام است جهت پیدا شدن ادیان مخالفه همین علما نامنی طرق و شوارع بواسطه همین علماء است کجای انصاف و عدالت و مروت است که بجهت بانصد نومان این همه اسباب قتل و غارت و اغتشاش و تخریب اشرار و سارقین را فراهم میاورند حکایت شریح قاضی را کسی یقین نمینمود اکنون در فارس هزارها پدرازان شریح قاضی یافت میشوند رسول اکرم میفرماید اذا فسد العالم فسد الامم گر غیرت اسلامی چه شد حقیقت مسامانی تمام متفرق دنیا دینهم دنا برهم قبتهم نساؤهم اللهم بطرفهم ای علمای فارس ای کسانی که ادعای مسامانی میکنید آخر تا کی تا چند اسباب فتنه و فساد و هتک شرف و ناموس مسلمانان را فراهم می آورید آیا در محکمه عدل الهی جرات خدا را چه خواهید داد آیا فردای قیامت حضور پیغمبران منقل نیستید پیغمبر اکرم مدت ۲۳ سال زحمت کشید تا مردم را مسلمان نمود اینک شماها تیشه

بر ریشه اسلام میزنید میخواستید دین او را مدموم نمائید اجانب را تظوین میکنید ظالمین را معاونت مینمائید والله یابسان شریعت دین اسلام را از میان بردید عقاید عوام را باطل نمودید ملاحظه بوابان هند و اهالی قفقاز و مراکش و اوچستان را بنمائید که ایلا و نهاراً حرك خویش را از خدا میطلبند آنچه فریاد و استغاثه میکنند کسی بفریادشان نمی رسد آنها هم اول دوات و سلطنت داشتند مال داشتند آزاد بودند بجهت رشوت خوری و معاونت بظالمین قریب اجاب را خوردند تا حال که بدین بلیه گرفتارند والله بشما بدتر خواهند نمود تا وقت باقی است بنکر خود باشید از خواب غفلت بیدار شوید قریب روباہ صفقان را بخورید اتحاد کنید اتفاق نمائید آیا شمارا خدا بجهت چه خلاق فرموده آیا نه شما را اشرف مغزوقات قرارداده چرا در حق یکدیگر ظلم و ستم مینمائید چرا اعانت ظالمین و فاسقین میکنید و هیچ بخمال عاقبت کار نیستید عوض اینکه نهی از ظلم ظالمین و فسق فاسقین نمائید در آستانه مقدسه سید علاء الدین حسین امر بظلم و هتک شرف و قتل مسامین و جنک با مسلمانان میکنید میگویند امروز جهاد واجب است آیا در چنین امام زاده همه نوع معاصی را مینمائید باوجود این ادعای اسلام میکنید عوام را قریب میدهند همه مسامان و برادر از يك پدر و مادرند ایلاز جان برادران ضعیف و مفلوک چه میخواهید حالت امروزه شیراز دیدنی است آنچه حضرت اشرف اقای نظام السلطنه نصیحت می نماید امر باصلاح می نماید ابتدا فایده مند نمیگردد امروزه قریب یکماه است که آشوب طلبان در امتنازه مقدسه سید علاء الدین حسین مجتمع شده اند فارسی که رشک بمالك ایران بود چنان منقاب و مغشوش کردند که ما فوق ان متصور نیست و ممکن نیست که تا دو سال دیگر امنیت و اسوده کی پیدا نماید از یکطرف اطراف و قصبه جات را بهار لو با دو عراده توب محاصره نموده و گوشك قاضی را غارت کرده از طرف دیگر عسکر خان مشغول قتل

و غارت و سرقت اموال مسالمین برآمده  
چندین نیا به محترمه از عفت و عصمت  
و حفظ ناموس خویش خود را متول نموده  
از ترس امیر قلیخان و عسکر خان  
و سایر سارقین نوکرهای شخصی قوام المالك  
قوافل جرئت عبور و مرور ندارند در  
شیراز روزی ده بیست نفر از فقرا و ضعیفا  
بدون جهت و سبب مقول میگرددند اگر  
انسان تامل و تفکر نماید از خصمه هلاک  
خواهد شد ایالت جایله چه کنند بچه  
اندازه برد باری و شکیبائی نماید علماء  
و حجج اسلام عتبات عالیات کتراهه  
امثالهم شب و روز در ترویج دین اسلام  
و قوانین مشروطیت بکوشند ولی چند  
نفر از علمای فارس بواسطه چندروزه  
رباست دنیوی بر ضد استقلال ایران  
و مشروطه قیام مینمایند و بواسطه  
انقیاباء ماسونه بی قوام فقرا را  
پایمال مینمایند اگر جانشینان او میباشند  
چرا قانون او را مخالفت مینمایند چرا  
دیده و دانسته میخواهند دین او را از  
بیخ و بن برکنند آیا قوام المالك و انتظام المالك  
روز قیامت شفعا شما میباشند قدر دین  
خود را نمیدانیم حفظ ناموس اسلام را  
میکنیم قدر نعمت بهد از ذوال معلوم  
خواهد شد از زمانیکه قوامیان در فارس  
نفوذی بهمرسانیدند آنها فانا مملکت  
فارس منشوش و مناب کرده و در  
سدد تحرک و تقویت مفسدین داخلی  
و خارجی بر میایند اینهمه اوضاع و  
انقلابات سرچشمه آن ایشانند ای محبین  
وطن ای مشروطه طلبان ای کابینه وزراء  
حمیت کنید حمایت نمایند نگذارید  
که بیشتر از این در سدد خرابی فارس  
بر آید مملکت مریض است محضر  
است خون فاسد دارد اگر اصلاح نشود  
و مفسدین قاع و قاع نگرددند دیگر چشم  
از جنوب ایران ببوشید  
سرچشمه شاید گرفتن به پیل  
چوپر شد نشاید گذشتن به پیل  
اگر قوام المالك و انتظام المالك و حامیانشان معدوم  
گردند و نسل ایشان از فارس منقطع  
گردد احتمال دارد که کار فارس اصلاح  
پذیرد والا روز بروز در آنزل است بقدر  
منعالم قسم است که هیچ مقسودی هیچ  
فرضی ندا رند الا سبب مشروطیت  
و فتنه و فساد امروزه علاج افسد را

بفاسد باید نمود اعمال مفسدین و مفسدین  
اصلاح پذیر نیست از الله لایصالح عدل  
المفسدین آنچه صلاح دوات و مات بود  
گفتیم ولی کوش سخن شو کجا دیده  
اعتبار **کو**

زنده باد مجلس مقدس شورای کبرای ملی  
پاینده باد حریت مشروطیت مساوات  
بی عرضان فارس

از شیراز به مینویسند

اداره جریده جنوب ایلاونها را از حضرت  
سبحان و قادر متعال مسائل میبایم که وجود  
مدیران بیفرض جرائد را در کتف حمایت  
خویش مصون بدارد همه هفته جریده  
فریده جنوب را توسط جناب آقا شیخ  
محمد حسین مدیر محترم زیارت مینمایم  
آفرین بر عقل و کیاست و بیطرفی و  
حق گوئی آن اداره محترم که واقعا  
برشته تحریر سمت جنوب را زنده واقعا  
فرمودید اگر عوم مدیران جراید مسلك  
حق گوئی و ترقی خواهی را بپندارند مبدوار  
چنینیم که در آینه اسباب ترقی بجهت  
وطن عزیز فراهم آید

در چندی قبل دستور اساسی جمعیت  
ترقی خواهان در جریده مفدسه زیارت  
نمودیم خیلی اسباب مسرت و بهجت گردیده  
امید و اربابا زمان چنانیم که این مسلك  
مقدس در جمیع ممالک ایران دائر کرد و  
لذا ما چند نفر نوبا و گان وطن در مد رسه  
مقدسه شریعت هیئت تانیس نمودیم بجهت  
معاونت و همراهی آن برادران عزیز  
انشاء الله به مقاصد و مطالب خویش نائل  
خواهیم گردید مقصودمان نشر معارف  
و ترقی وطن میا شد مکتوب فوق هم را عرض  
نمودیم که در جریده مفدسه درج فرمائید  
موجب تشکر و امتنان اخوان است  
محصلین مدرسه شریعت

مکتوب از شهر بایک

حضور شرافت ظهور حضرت مستطاب اجل  
مدیر جریده فریده جنوب دام بقائه محمد علی  
و حسنعلی میماندی در این چندسال پیوسته مشغول  
راه زنی و دزدی بودند اهالی کرمان و  
یزد ساعتی از نظام آنها آسوده نبودند  
و چون شهر بایک سالها سپرده عیسی خان  
پدر فدوی بود حکومت یزد دستگیری  
آنها را میخواست سلج حکام که قدرتی  
نداشتند اقدام بدستگیری محمد علی نمود

یکسال در یزد حبس بود بایک اندازه  
احقاق حقوق مردم بعمل آمد ولی  
حسنعلی چون دستگیر نشد مالیات دو  
ساله کوهستان مینمید و باقاهه و غیره را  
نگذاشت وصول شود بیست و نه هزار  
تومان از عیسی خان دریافت کردند و حال  
آنکه بیست و سه هزار تومان اصل و  
فرع مالیات شهر بایک است بعد از بیست و نه  
هزار تومان دریافت نمودن مشیر المالك  
محض عداوت بازده هزار تومان بناحق  
ادعا کرد محمد علی از حبس فرار کرد  
شهر بایک آمد باز بنا را بچاپاول و غارت  
نگذاشت مشیر المالك هو قعی برای  
عداوت خود حاصل و مهدی عطار باشی  
که با محمد علی سالها همدمت بود او را  
واداشت آمد کوهستان محمد علی را دید  
با حسنعلی جمعیت کشیدند شهر بایک  
آمده پس از آن بقسم قران فدوی  
را مطمئن کردند که مالیات بدهی خود  
مست میدهیم فدوی بمنزل آنها رقم  
فدوی را گرفتند پدرم تاب نیاورد آمد  
او را هم دستگیر کرده بخانه و محل  
فدویان ریخته دارائی دور بیست ساله  
فدویان و قاملی ماها را غارت نمودند  
به مقام انسانیت و با امام عصر جز لباسی  
که در تن داشتیم **دیگر** مالک شیعی  
نیودیم ظرف بخوری برای ماها نگذاشتند  
از لباس اطفال شیرخوار نگذاشتند باز  
ده هزار تومان بایک آنچه دریافت و هزار  
تومان معتمد که اقامه مهدی عطار باشی  
است دریافت نمود و خود او و  
گماشتگان مشیر المالك در غارت اموال  
شرکت داشتند پدرم را پس هشتاد ساله  
به یزد بردند و فدوی را در شهر بایک  
سه ماه نگاه داشتند انواع و اقسام زجر  
نمودند و اراده قتل فدوی نمودند  
طوری سخت کردند که اتباع خود محمد علی  
و اهالی محل بپوچان آمده قهراً فدوی را رها  
و محمد علی را نگاهداشته چون قبل از  
این واقعه بنا خوشی مبتلا بودید از چند  
روز فوت شد در این مدت تمام ادارات  
طهران و یزد و کرمان شرح مظلومیت  
خود را معروض داشته باینکه برانجهن  
یزد و کرمان مظلومیت فدویان مکتوف  
است و طرفداری هم میفرمایند مشیر المالك  
در یزد مطالبه شش هزار تومان از پدرم  
دارد از آنجا که هستی باقی نمایند و

قوه پرداخت وجهی نیست و نهایت  
سختی باو مینمایند و باز مشهدی عطار  
باشی را با مسعود لشکرشهر بابک فرستاده اند  
بمحابت حسینعلی و کمان محمد علی جاکر  
را دستگیر و تلف نمایند بقیه دارد

تاکراف از بوشهر

مقام مقدس منبع والا حضرت بیابت  
سلطنت عظمی دامت شوگه مجلس مندرس  
شورای ملی شیداه ارکانه مقام منبع  
حضرت اشرف رئیس الوزراء وزارت  
جلیله داخله دام اقباله هیئت تجار عظام  
روزنامه جنوب روزنامه ایران نوروزنامه  
استقلال ایران معروض میداریم امروزه  
تهدیات وارده بر جناب معینالتجار با  
وجود انهمه خدمات و جاقشانی هائیکه  
در هر دوره ظاهر و باطناً نموده زیاده  
از حد اسباب یاس عموم تجار بنادر  
گردیده که این درجه در صد ابطال  
امتیازات حقه ایشان بر آمده اند در  
صورتیکه در تمام ایران احدی یکی از  
خدمات او را نسبت بدولت و ملت  
نموده است از جمله خدمات ایشان  
ابدی ناسری است که فقط از کمرب  
آن سالی سیصد هزار تومان عاید دولت  
میشود و سالهای سال است که در مقابل  
فوق خارجه در عربستان صد سیدی  
بوده که هرگاه دولت صد مراده توب  
کروپ و فوج سر باز داشت نمیتوانست  
اینطور جلو گیری نماید سیاهان که از  
آنطرف عبور و مرور مینمایند شرح  
خدمات و کفایت وجود این شخص محترم  
را در کتب خود نوشته اند که منجمه  
انها جنرال کردن انگلیس است شرحی  
در سیاحت نامه خود نوشته و چاپ  
شده اولیای دولت ترجمه فرمایند که چه  
شرحی در خصوص خدمات جناب  
معینالتجار بدولت و ملت نوشته است  
اصاف است بجهت طمع چهار نفر ممرض  
رشوه خوار که جوهر استبداد و خودشان  
را در لباس مشروطه جلوه کرده اند  
این درجه ظلم و تعدی درباره این وجود  
محترم و ابطال امتیازات جزایر مشارالیه  
برایند شهادت هرگاه جزایر هرمز و غیره  
در تصرف معینالتجار نبود تاکنون  
خارجیه ها متصرف شده بودند چنانچه  
از پنج سال به اینطرف سه چهار جزیره

از جزایر ایران را متصرف شده اند و ابتدا  
اولیای امور بخیال نیفتاده اند و جزایر  
مذکور همین کلک قرمز را دارد که  
فلاسالی مبالغه ها بار میکنند از انطرف  
رئیس کمرب بوشهر و عباسی علایقه مبالغ  
کلی اموال ایشان را در جزیره هرمز تصرف  
ورئیس کمرب بوشهر مال الاجاره املاکات  
بوشهر ایشان را با سبب چینی مدتی نگاه  
داشته و نمیدهد این فدویان تحمل  
وسبر کردیم و زیاده از این قوه صبر و  
تحمل را نداریم که بکنفر تاجر معبر مملکت  
که مستحقاً تحصیل امتیازاتی کرده اینطور  
ظلم و تعدی باو بشود چرا در صد کسانیکه  
بفرض امتیازات و تبولات و خالصجات  
برده اند کسی بر نیامده چرا امتیازات حفر  
شوش که بدولت فرانسه داده اند و اینهمه  
جواهرات و مجسمه های گرانمای اجداد  
و نیاکان ما را برده و میرندگی ادعای  
غبن نکرده و نمیکند و یا امتیازاتی را که  
بکپانی نطق داده اند و گوروها خواهد بود  
در صد مهمل داشتن ان نمیشود بر فرض آنکه  
جنات معینالتجار جزئی فایده از جزیره  
هرمز میبرد تماماً را باز صرف آبادی  
مملکت می نمود چنانچه الان چندین  
کشیمای آتشی در رود کارون علیا و سفلی دارد  
و سه میل راه بمخارجات کراف ساف  
کرده و راه آهن کشیده که مشغول حمل  
و نقل مالالتجاره هستند همین فقرات  
چندر اسباب سهوات کار تجار و نوع  
را فراهم آورده عوض آنکه در  
مقابل خارجه ها از طرف دولت بایشان  
همراهی و تقویت بشود اینطور نظام  
و تعدی مینمایند در این صورت ماها  
رعایای بیچاره بکدام اطمینان دیگر داخل  
کار و شغل بشویم و چگونه دیگر آنکامیفات  
جناب معینالتجار را قبول بکنیم که بماها  
تجار بنادر تکلیف میکرد که در بستن  
سد اهواز و خط آهن عربستان و  
آوردن يك گار خانه بانی با ایشان  
شرکت کنیم و بول بدیم در صورتیکه  
بعشتم خود می بینیم این دو سالد تا چه  
اندازه تعدی معینالتجار وارد آوردند  
و هرگاه این اسباب فراهم نیآورده بودند  
خیالانی را که داشتیم انجام گرفته بود  
دولت علیه هم که خودش در صد  
آبادی بر نیاید يك نفر تا جر با غیرت  
وطن پرست که پیدا میشود و سایر

تجار مملکت را با خود همراه میکنند که  
خدمتی بوطن خود بنماید این قسم او را  
گرفزار و مشغول مینمایند که تمام امتیازات  
وطن عزیز ماها را بخارجیه ها بدند  
چنانچه داده اند و ما ملت ایران را  
روز بروز ذلیل تر در صورتیکه عقیده تمام  
روی کرده است که ترقی هر مملکت به  
تجار و تجارت است و اینطور ظلم در  
حق تجار مینمایند اقل فدویان تجار  
بوشهر و بنادر در سالی سه چهار کروپ  
بول خدمت بدولت و ملت کرده و میکنم  
و گاهی در هیچ مورد مخالفت بدولت  
و ملت نکرده ایم سزاوار است باجناب  
معینالتجار که راس رئیس ماها تجار  
بنادر است محض غرض این نوع تعدیها  
بشود و هر قدر در این مدت تکرات  
میکنیم ابتدا اعتنای نمیفرمایند معاموم می  
شود ماها اهالی بنادر را جزو رعایای  
ایران نمیدانند یا اینکه در این آب و خاک  
ذبح نمیدانند اسقدا داریم رفع تهدیات  
و کمرب را فرموده و استرداد امتیازات  
جناب معینالتجار را بفرمائید که رفع  
یاس و مایه امید واری عموم بنادر و  
فدویان خواهد شد و هرگاه خدای  
نخواست دادرسی و رفع این نظامات را سر بیا  
فرمائید مجبوریم که بسایل دیگر ملتجی شده  
رفع ظلمهای وارده را بکنیم جواب را مترصدیم  
عموم تجار بوشهر امینالتجار  
ناظمالتجار حاجی باقر بهبهانی  
حاج رضا بهبهانی محمد حسن بهبهانی  
محمد خلیل بهبهانی حاجی عبدالرسول  
بوشهری محمود کازرونی سید محمد  
شبابکاره اقل حاج محمد حسن حاج  
احمد اقل حاج کریم اقل حاج  
عباس حاج نصرالله بهبهانی اقل  
حاج محمد جهنر کازرونی اقل حاج  
محمد بوشهری اقل حاج علی اکبر  
کازرونی اقل السادات محمد شمیم  
کازرونی علی عوض بوشهری مصطفی  
موسی اقل الحاج محمد رضا حاج  
محمد حسین شیرازی عبد الرحمن  
حاج احمد بوشهری اقل الحاج محمد  
مهدی بوشهری حاج عباسعلی حاج  
محمد ابراهیم حاج محمد حسین کازرونی حاج سید  
احمد بهبهانی حاج عبدالرحیم بهبهانی

جنوب

معاذ خودمان را بدرها خواهیم نکات  
(طهران خیابان پستخانه مطبوعه جیل این)